

فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی دانشگاه الزهراء (س)
سال دوازدهم، شماره ۳۵، تابستان ۱۳۹۹

نظام گفتمانی تمبرهای دهه ۵۰ از دیدگاه نشانه‌شناسی کاربردی بر مبنای رویکرد تحلیل گفتمان انتقادی ون لیوون^۱

صدیقه امیدی اسکوئی^۲
محمدعلی ترابی^۳
هانیه دواتگری^۴

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۱/۱۵

چکیده

تحلیل گفتمان انتقادی، پیوند میان زبان، قدرت و ایدئولوژی را به وسیله کشف ساختارها یا مؤلفه‌های گفتمان‌مدار نمایان می‌سازد. پژوهش حاضر، با هدف کشف لایه‌های پنهانی معانی تمبرهای پیش و پس از انقلاب در چارچوب تحلیل گفتمان انتقادی به انجام رسیده است. تحلیل‌گران پژوهش با بررسی متن‌های تصویری نوشتاری می‌کوشد تا دریابد چگونه تمبرها زبان را به عنوان فرهنگ بدیهی، طبیعی و اجتناب‌ناپذیر به تصویر می‌کشند و کارکردهای متفاوت گفتمانی، اجتماعی و فرهنگی آن‌ها را بررسی می‌نمایند. بنابراین ۷۸ نمونه (۳۹

^۱ شناسه دیجیتال (DOI): 10.22051/jlr.2019.22754.1608

^۲ دانشجوی دکتری زبان‌شناسی همگانی، گروه زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی اهر؛ s.omidi@iauoskou.ac.ir

^۳ دکترای تخصصی زبان و ادبیات انگلیسی، دانشیار زبان و ادبیات انگلیسی، عضو هیأت علمی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول)؛ mi-ali.torabi@tabriz.ac.ir

^۴ دکترای تخصصی زبان و ادبیات انگلیسی، استادیار زبان و ادبیات انگلیسی؛ عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی؛ H-Davatghari@iau-ahar.ac.ir

تمبر پیش از انقلاب و ۳۹ تمبر پس از انقلاب) از تمبرهای دهه ۵۰ (۱۳۶۰-۱۳۵۰ ه.ش) با بهره‌گیری از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی الگوی ون لیوون به صورت کیفی و کمی تجزیه تحلیل شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها نشان داد که ایدئولوژی حاکم بر اذهان طراحان، صاحبان اندیشه و حاکمان هر دو دوره با بهره‌گیری از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار همچون تشخیص‌بخشی، فردارجایی، مکان‌مداری، ابزارمداری، منفعل‌سازی، کم‌رنگ‌سازی، پنهان‌سازی و موارد مشابه در متون بازنمایی می‌شوند. با این وجود، تجزیه و تحلیل داده‌های آماری هم درستی این یافته‌ها را تأیید کردند. همچنین مؤلفه‌های گفتمان‌مدار با ایدئولوژی و روابط قدرت در تعامل تنگاتنگ هستند و رابطه دوسویه با هم دارند که با بررسی این ساخت‌ها در متن‌ها و نهادهای اجتماعی قابل تبیین است.

واژه‌های کلیدی: تحلیل گفتمان انتقادی، قدرت، ایدئولوژی، مؤلفه‌های

جامعه‌شناختی - معنایی (Van Leeuwen, 2008)

۱. مقدمه

تحلیل انتقادی گفتمان، به بررسی رابطه میان زبان و اندیشه می‌پردازد و با پرده‌داری از ساختارهای زیرین زبان، جنبه‌های فکری و پنهان آن را آشکار می‌سازد. گفتمان‌های موردنظر چنان با جهان‌بینی و اهداف خاصی در هم تنیده می‌شوند که مردم پذیرش تفکر و جهان‌بینی پنهان در آن را امری طبیعی و منطقی می‌پندارند. مردم، بدون هیچ مقاومتی آن را می‌پذیرند و می‌پندارند که به اختیار خود اندیشیده‌اند (Aghagolzadeh, 2006, p. 5). تحلیل گفتمان انتقادی^۱، از جمله این پژوهش، به دنبال شفاف‌سازی متن‌ها و معانی در جهت بالا بردن سطح آگاهی بخشی انتقادی به جامعه است. نگارندگان پژوهش قصد دارند با تجزیه و تحلیل مؤلفه‌های گفتمان‌مدار متون (تمبرها)، آن‌ها را با چگونگی بازنمایی کنشگران ارتباط داده تا به پیام‌های نهفته در متن‌ها دست یابد. همچنین برآنند تا نشان دهد بسته به نوع نگرش تولیدکنندگان تمبر، چگونگی بازنمایی کنشگران متفاوت بوده و تمبرها به نوعی جهت‌دار هستند. به نظر می‌رسد تولید متن، از جمله تصویر یک عمل گفتمانی و در نتیجه اجتماعی است. استفاده مؤثر از زبان یعنی اینکه ساخت‌های ایدئولوژیک از طریق زبان به طور غیرمستقیم به اهل زبان عرضه می‌گردد. برای دست‌یابی به این امر، زبان و گفتمان باید دارای سطوح و لایه‌هایی باشند. زبان و گفتمان در سطوح زیرین حاوی ایدئولوژی و روابط قدرت و سلطه هستند و در سطوح زبرین حاوی ساختارهای گفتمان و رخدادها هستند.

¹ critical discourse analysis

این پژوهش با تجزیه و تحلیل تمبرهای منتخب دهه مورد اشاره نشان می‌دهد که بسته به نوع نگرش تولیدکنندگان متن‌ها و حاکمان، چگونگی بازنمایی کنشگران متفاوت بوده است. همچنین، پس از گذر از یک نقطه عطف، یعنی با سرنگونی حکومت شاهنشاهی و روی کار آمدن نظام جمهوری اسلامی ایران، بازنمایی‌های مورد اشاره تغییر جهت یافته‌اند. مسئله پژوهش حاضر، شخصاً این است که تمبرها، که افکار صاحبان اندیشه و قدرت حاکم بر خود و نیز گفتمان و ایدئولوژی متعلق به خود را بازنمایی می‌نمایند، چگونه این دو دوره از دهه ۵۰ را بازنمایی کرده‌اند؟ و این مهم را با به کارگیری کدام مؤلفه‌های گفتمان‌مدار^۱ الگوی نظری ون لیوون (Van Leeuwen, 2008)، عملی نموده‌اند.

در مقاله حاضر، می‌خواهیم با به کارگیری الگوی ون لیوون (Van Leeuwen, 2008) و تحلیل تمبرهای دهه مربوطه، نشان دهیم که چگونگی نگارش و ایدئولوژی طراحان و تولیدکنندگان متن‌ها (تمبرها) در ساختارهای گفتمان‌مدار نمود پیدا می‌کنند و این دو با یکدیگر تعامل تنگاتنگ دارند. پرسش‌های اصلی این پژوهش از این قرارند: نخست اینکه، چگونه نظام گفتمانی تمبر می‌تواند بر اساس عناصر فرهنگی و تاریخی فرآیند هویت ملی را بازنمایی کند؟ دوم آنکه، چه رابطه‌ای میان عناصر ساختاری و دیداری و روابط پنهان قدرت در تمبر وجود دارد؟ پاسخ به پرسش‌های بالا، در راستای کشف رابطه میان مؤلفه‌های زبانی از یک سو و مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی از سوی دیگر است که برای القای شیوه فکر و ایدئولوژی پنهان در پس متون به خدمت گرفته می‌شوند؛ زیرا «آنچه متن (تمبر) را می‌سازد و باعث فهم متون (تمبرها) می‌شود، تنها توصیف رمزهای زبان‌شناختی و معانی زبانی نیست، بلکه عوامل ایدئولوژیکی و طرز نگرش و یا بینش اشخاص و صاحبان افکار پنهان در آن سوی متون از عوامل مؤثر در تولید و درک متون به شمار می‌روند» (Aghagolzadeh, 2006, p.197).

۲. مبانی نظری و پیشینه پژوهش

از دیدگاه فرکلاف (Fairclough, 1989)، تحلیل گفتمان انتقادی، نمایانند ارتباطاتی است که از چشم افراد جامعه پنهان نگاه داشته شده‌اند. همانند رابطه میان زبان، قدرت و جهان‌بینی. گفتمان نه تنها زبان نوشتاری و گفتاری، بلکه تصاویر را نیز در بر می‌گیرد. تحلیل متون که شامل تصاویر هم می‌شود، باید شامل ویژگی‌های خاصی از نشانه‌شناسی تصویر و رابطه بین زبان و تصویر باشد. به هر حال، در تحلیل گفتمان انتقادی گرایشی به سمت تحلیل تصاویر وجود دارد، گویی تصاویر

¹ discourse features

متون زبانی هستند. هاج و کرس (Hodge & Kress, 1988) و کرس و ون لیوون (Leeuwen, 1996) تلاش می‌کنند تا نظریه و شیوه‌ای برای تحلیل متون چندشیوه، یعنی متونی که از نظام‌های نشانه‌شناسی متفاوت مانند زبان و تصاویر و یا صدا استفاده می‌کنند، به وجود آورند. بر پایه تعریف فرکلاف (Fairclough, 1989)، گفتمان‌ها کم و بیش می‌توانند ایدئولوژیک باشند. گفتمان‌های ایدئولوژیک آن‌هایی هستند که به حفظ و تفسیر روابط قدرت کمک می‌کنند. تحلیل گفتمان در جریان تحول تاریخی خود، دو مسیر مختلف را پیموده‌است. یک مسیر ریشه در زبان‌شناسی دارد و دیگری در فلسفه سیاسی اجتماعی ریشه دارد. تاریخ تحول تحلیل گفتمان در حوزه زبان‌شناسی شامل سه مرحله است. الف) تحلیل گفتمان ساخت‌گرا (گفتمان به مثابه زبان فراتر از جمله)، ب) تحلیل گفتمان نقش‌گرا (گفتمان به مثابه زبان به هنگام کاربرد)، ج) تحلیل گفتمان انتقادی. سلطانی (Soltani, 2005) اشاره می‌کند در هر سه رویکرد تحلیل گفتمان، زبان بزرگتر از گفتمان بوده و گفتمان چیزی است که درون زبان روی می‌دهد و پیرو آن است. این در حالی است که گفته فوکو (Foucault, 1972; Jorgenson & Phillips, 2002, p. 29-34) ناهمسو با این امر بوده‌است. آن‌ها بیان می‌کنند که گفتمان است که از زبان بزرگتر است و گفتمان نه تنها زبان، بلکه بسیاری از پدیده‌های اجتماعی دیگر را در سیطره تأثیرات خود قرار می‌دهد. به باور فوکو (همان) هیچ چیزی دارای هویت نیست و هویت خود را از گفتمانی به دست می‌آورد که در آن قرار می‌گیرد (Jorgenson & Phillips, 2002). کرس (Kress, 1985) می‌نویسد «در زبان‌شناسی انتقادی هدف از تجزیه و تحلیل الزاماً، کشف معانی پیچیده و غیرعادی موجود در متن نیست؛ بلکه ابهام‌زدایی و شفاف کردن آن دسته از فرآیندهای مربوط به تولید و درک است که به تحلیلگران این قدرت را می‌دهد که بتوانند عملکرد ایدئولوژی را در زبان ببینند و به دیگران معرفی کنند» (Kress, 1985, p. 65).

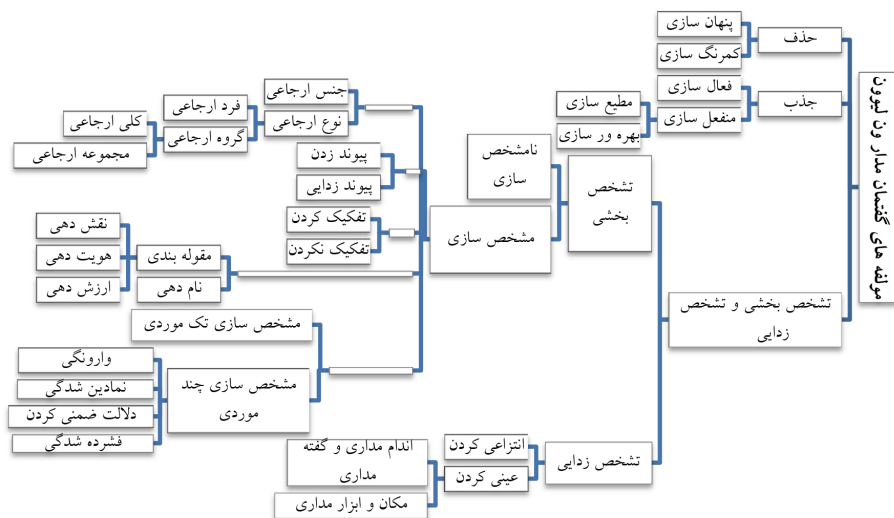
یارمحمدی و سیف (Yar-Mohammadi & Saif, 2004) با بازنمایی کارگزاران اجتماعی در روزنامه‌های فارسی و انگلیسی مابین اسرائیل و فلسطین با بهره‌گیری از الگوی ون لیوون به این نتیجه رسیدند که میان ساختارهای گفتمان مدار و ایدئولوژی رابطه دوسویه وجود دارد. حیدری و رزم‌جو (Heiddari & Razmjju, 2005) در مقاله خود با پذیرش این استدلال ون لیوون (Van Leeuwen, 1996) که «مطالعه مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی، شناختی عمیق‌تر و جامع‌تر از متن به دست می‌دهد تا بررسی مؤلفه‌های زبان‌شناختی به تنهایی»، از الگوی ون لیوون (همان) استفاده می‌کنند. آن‌ها می‌کوشند تا شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در گفتمان فارسی را تبیین نمایند. به این منظور، با توجه به مؤلفه‌های جامعه‌شناسی معنایی و براساس چارچوب پیشنهادی

ون لیوون (همان)، متونی برگرفته از روزنامه ایران تجزیه و تحلیل کرده‌اند. یافته‌های پژوهش آن‌ها نشان می‌دهد که در متن‌های فارسی، مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی مانند حذف، پنهان‌سازی، پس‌زمینه‌سازی، فعال‌نمایی و منفصل‌نمایی، عینی‌سازی و ذهنی‌سازی و موارد مشابه قابل تبیین و کشف هستند. این مؤلفه‌ها در مقایسه با تظاهرات زبان‌شناختی، تصویر روشن‌تری از متن در مقایسه با تظاهرات زبان‌شناختی ارائه می‌دهند. فرد (Fard, 2003)، عمل صالح (Amal-Saleh, 2004) و دواتگرزاده (Davatgarzadeh, 2008) نیز در بررسی‌های خود به معرفی این الگو پرداخته‌اند. پهلوان نژاد و همکاران (Pahlavannezhad et al., 2009) در یک پژوهش با استفاده از الگوی ون لیوون، متن‌های برگزیده از ۴۱ شماره از ۸ نشریه سال‌های آغازین دوره مشروطه را تحلیل کرده‌اند. در واقع، هدف این بررسی در پاسخ به این پرسش بود که نشریه‌های دوره مشروطه به چه میزان از مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی استفاده کرده‌اند. نتیجه به‌دست‌آمده از تحلیل نشان می‌دهد که کارگزاران فعال پس از رهایی از استبداد و در راه پیشرفت جامعه خود با بهره‌گیری از مؤلفه‌های تشخیص‌بخشی، فعال‌سازی، تشخیص‌زدایی، حذف و منفعل‌سازی بسیار بهره‌برده‌اند. کلانتریان (Kalantarian, 2012) نیز با استفاده از الگوی بازنمایی کنشگران اجتماعی ون لیوون (Van Leeuwen, 2008) به بررسی مسئله هسته‌ای ایران از دیدگاه تحلیل‌گفتمان انتقادی پرداخت. وی نشان داد که چگونه رسانه‌های مکتوب در جناح مطرح در عرصه سیاسی ایران، یعنی اصلاح‌طلبان و اصول‌گرایان، به بازنمایی کنشگران اجتماعی در ارتباط با این امر پرداخته‌اند. همچنین، ایدئولوژی صاحبان این رسانه‌ها تا چه اندازه در این بازنمایی دخیل بوده‌است. نعمتی (Nemati, 2018) در چارچوب گفتمان‌شناسی انتقادی بر اساس الگوی ون لیوون (Van Leeuwen, 1996) با استفاده از مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی به بررسی میزان رازگونگی متن‌های خبری فارسی و انگلیسی می‌پردازد تا به صراحت و پوشیدگی این متن‌های خبری پی ببرد. شعیری و نبی‌ئیان (Shairi & Nabian, 2017) در مقاله «تحلیل روایی فرآیند تشخیص در چارچوب نشانه - معنانشناسی گفتمانی: مطالعه موردی دسته گل اثر چوبک» بر آن بودند تا با بهره‌گیری از رویکرد نشانه - معنانشناسی گفتمانی، به بررسی فرآیند روایی تشخیص در جریان شکل‌گیری معنا بپردازند. آن‌ها می‌خواستند نشان دهند تشخیص فرایندی تأثیرگذار بر کارکرد نظام روایی گفتمان دارد و امری جدای از بافت گفتمانی نیست. حاصل این پژوهش‌ها نشان می‌دهند که مؤلف به منظور تأثیرگذاری بیشتر بر مخاطب و شرایط سیاسی - اجتماعی پیرامون متن‌ها (تمبرها) و دیدگاه‌های فکری - اجتماعی، کنشگران اجتماعی گوناگونی را به شیوه‌های متفاوتی بازنمایی کرده‌است.

۳. روش انجام پژوهش

تحلیل گفتمان انتقادی رویکرد یکسان و روش مشخصی برای همگان ندارد و از جنبه روش‌شناسی مشتمل بر مجموعه‌ای از روش‌ها است؛ هر چند وجه مشترک همه آن‌ها مفهوم انتقادی است. نظام گفتمانی تمبر با استفاده از المان‌ها، نمادها و تصاویر توان بازتولید هویت‌های فرهنگی و ملی همسو با باورهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حکومت‌ها را دارا هستند. این نظام‌های گفتمانی، از لایه‌های تصویری و نوشتاری در کنار هم استفاده می‌کنند تا به عنوان بازنمایاننده حافظه تاریخی برای مخاطبان خود باشند. هر چند، تصاویر تمبرها چه چیزها را به ما القا می‌کنند؟ تصویرها، ظاهراً کمک می‌کنند تا مفاهیم را آسان‌تر متوجه شویم. همچنین، به نظر می‌آید که الگوهای فرهنگی‌ها و ساختارهای گفتمانی مسلط در آن فرهنگ‌ها را به ما ارائه می‌دهند. پیوند میان عناصر ساختاری و دیداری در تمبرها با گفتمان قدرت با توجه به عملکردهای حکومتی دولتمردان متفاوت است. در واقع، تمبر ثبت واقعه‌ای یا حضوری است که همواره با گذشت زمان تداوم می‌یابد و ردی از حافظه بازنمایی شده تاریخ را به ما می‌شناساند. روش تحلیل پژوهش حاضر از ساختار به محتوا بوده که با نیم‌نگاهی به تحلیل نشانه‌شناسی اجتماعی تصویر از دیدگاه کرس و ون لیوون (Kress & Van Leeuwen, 2006; quoted from Aghagolzadeh, 2004) به این مهم دست می‌یابیم. آن‌ها به جای نقش متنی که هیلیدی (Halliday, 1978; quoted from Aghagolzadeh, 2004) در تحلیل نشانه‌شناسی اجتماعی از آن بهره می‌جست، معنای ترکیبی را به کار بردند. به باور کرس و ون لیوون (Kress & Van Leeuwen, 2006; quoted from Aghagolzadeh, 2004) هر تصویری نه تنها جهان را بازنمایی می‌کند بلکه در تعاملات اجتماعی نقش اساسی دارد و نوعی متن ترکیبی به وجود می‌آورد. در این پژوهش، از روش کیفی برای تحلیل و تبیین متون استفاده کرده‌ایم؛ زیرا تحلیل متن (تمبر) از نظر ماهیت کیفی و از نظر نوع اکتشافی است. یکی از راه‌های تحلیل کیفی، در نظر گرفتن نظریه یا چارچوبی در درون الگوی ویژه‌ای است که اصولی پذیرفته شده دارد (Aghagolzadeh, 2004; Aghagolzadeh, 2006). الگوی تحلیل در این پژوهش، الگوی جامعه‌شناختی-معنایی ون لیوون (Van Leeuwen, 2008) است. این الگو، برای بازنمایی کنشگران اجتماعی در قالب رویکرد جامعه‌شناختی-معنایی مطلوب نظر ون لیوون (همان) از دو ساز و کار اصلی حذف و جذب بهره می‌گیرد. به این معنا که هر گفتمان را می‌توان نسبت به رویکرد جذبی یا حذفی آن نسبت به یک کنشگر تحلیل نمود. در پژوهش حاضر این کنشگر، قدرت است که نشان‌دهنده اذهان حاکمان و اعمال نفوذ آن‌ها در مسائل سیاسی جامعه است. در همین راستا، الگوی ون لیوون (همان) در آشکارسازی تفاوت‌های

موجود در شیوه‌بازنمایی کنشگران حاضر در گفتمان از کفایت در خور توجهی برخوردار است. ون لیوون (همان) ارائه خویش را با مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی شروع می‌کند که به وسیله آن‌ها کنشگرها بازنمایی می‌شوند. دلیلی که او برای این کار ارائه می‌کند، نبود سازگاری یک به یک میان نقش‌های واقعی که کنشگران اجتماعی در جامعه بر عهده دارند و تنش‌های دستوری‌ای است که در متن به آنها داده می‌شود. تمرکز اصلی این بررسی بر چگونگی بازنمایی کنش‌های اجتماعی در گفتمان است. گروه‌بندی این مؤلفه‌ها در شکل (۱)، به روشنی آمده است.



شکل ۱: مؤلفه‌های گفتمان مدار ون لیوون (Van Leeuwen, 2008)

داده‌های این پژوهش منتخبی از تمبرهای دهه ۵۰ ایران هستند که هر دو دوره پیش و پس از انقلاب را شامل می‌شوند. ۷۸ نمونه (۳۹ تمبر پیش از انقلاب و ۳۹ تمبر پس از انقلاب) از آن‌ها به عنوان داده‌های^۱ پژوهش انتخاب شده‌اند که عبارت اند از:

تمبرهای پیش از انقلاب: سری پستی محمدرضا پهلوی-۱۳۵۰.ش، جشن دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران-شاهنشاه آریامهر و رضاشاه کبیر-۱۳۵۰، جشن دوهزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران-تاج پهلوی-۱۳۵۰، جشن دو هزار و پانصدمین سال بنیانگذاری شاهنشاهی ایران-اعلامیه کوروش بزرگ-۱۳۵۰، پنجاهمین سال سلطنت پهلوی (پدر و پسر)-۱۳۵۵، سی و پنجمین سال سلطنت پهلوی-۱۳۵۵، سالروز انقلاب سفید شاه و مردم-۱۳۵۰،

¹ sample

ششم بهمن سالروز انقلاب شاه و ملت-۱۳۵۶ و سالروز انقلاب سفید شاه و مردم-بلوک یادگاری-۱۳۵۰، سری پستی محمدرضا پهلوی-اصل یکم الی هفدهم انقلاب شاه و ملت-۱۳۵۰، سالروز انقلاب سفید شاه و ملت (۱)-۱۳۵۲ و بلوک یادگاری سالروز انقلاب سفید شاه و ملت-۱۳۵۲ سالروز انقلاب سفید شاه و ملت(۲)-۱۳۵۲، سالروز انقلاب سفید شاه و ملت-۱۳۵۳، سال بزرگداشت دهه انقلاب سفید ایران(۱و۲)-۱۳۵۱، سالروز انقلاب شاه و ملت (۱و۲)-۱۳۵۴، جشن فرهنگ و هنر-۱۳۵۱ الی ۱۳۵۶، پیدایش و چگونگی خط در ایران-۱۳۵۱، پیدایش و چگونگی خط در ایران (۱و۲)-۱۳۵۲، همکاری عمران منطقه‌ای (۱)-۱۳۵۰، همکاری عمران منطقه‌ای (۲)-۱۳۵۰، همکاری عمران منطقه‌ای-۱۳۵۱ الی ۱۳۵۷، پنجاهمین سالگرد جمهوریت ترکیه-۱۳۵۲، یکصدمین سال تولد محمدعلی جناح قائد اعظم پاکستان. ۱۳۵۵، حفاظت ونیز-۱۳۵۳، پنجاهمین سال تاسیس کشور اردن هاشمی-۱۳۵۰، بیستمین دوره بازی‌های المپیک مونیخ-۱۳۵۱ و بلوک یادگاری بیستمین دوره بازی‌های المپیک مونیخ-۱۳۵۱، بازی‌های المپیک مونترال-۱۳۵۵، روز المپیک-۱۳۵۶، هفتمین دوره بازی‌های آسیایی (گروه اول، دوم و سوم)-۱۳۵۳، هفتمین دوره بازی‌های آسیایی (گروه چهارم)-۱۳۵۳، هفتمین دوره بازی‌های آسیایی (گروه پنجم)-۱۳۵۳، نشان مخصوص هفتمین دوره بازی‌های آسیایی-۱۳۵۳، مسابقات فوتبال جوانان آسیا سال‌های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۴، مسابقات فوتبال والا حضرت همایون ولیعهد-۱۳۵۲، مسابقات فوتبال (جام ایران)-۱۳۵۳، مسابقات کشتی قهرمانی جهان-۱۳۵۲، بیست و پنجمین سالگرد تاسیس شورای ورزشی ارتش‌های جهان-۱۳۵۲، نشان مخصوص شورای ورزشی ارتش‌های جهان-۱۳۵۲، هفتمین کنگره بین‌المللی ورزش و تربیت بدنی دوشیزگان و بانوان-۱۳۵۲، سال جهانی زن-۱۳۵۳

تمبرهای پس از انقلاب: انقلاب اسلامی ایران (۱)-۱۳۵۸، انقلاب اسلامی ایران (۲)-۱۳۵۸، انقلاب اسلامی ایران (۳)-۱۳۵۸، انقلاب اسلامی ایران (۴)-۱۳۵۸، جمهوری اسلامی ایران-۱۳۵۸، نخستین سالروز انقلاب اسلامی ایران (۱)-۱۳۵۸، نخستین سالروز انقلاب اسلامی ایران (۲)-۱۳۵۸، نخستین سالروز انقلاب اسلامی ایران (۳)-۱۳۵۸، دومین سالروز انقلاب اسلامی ایران (۱)-۱۳۵۸، دومین سالروز انقلاب اسلامی ایران (۲)-۱۳۵۹، دومین سالروز انقلاب اسلامی ایران (۳)-۱۳۵۹، سومین سالروز انقلاب اسلامی ایران (۱)-۱۳۶۰، سومین سالروز انقلاب اسلامی ایران (۲)-۱۳۶۰، سومین سالروز انقلاب اسلامی ایران (۳)-۱۳۶۰، سومین سالروز انقلاب اسلامی ایران (۴)-۱۳۶۰، آغاز نهضت اسلامی-۱۳۶۱، چهارمین سالگرد انقلاب اسلامی ایران-۱۳۶۱، پست جمهوری اسلامی ایران-حجاب-۱۳۶۰، پست جمهوری اسلامی ایران-سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران-۱۳۶۰، پست جمهوری اسلامی ایران-

نماز جمعه - ۱۳۶۰، پست جمهوری اسلامی ایران - بسیج مستضعفین - ۱۳۶۰، پست جمهوری اسلامی ایران - نهضت سواد آموزی - ۱۳۶۰، پست جمهوری اسلامی ایران - جهاد سازندگی و صنعت - ۱۳۶۰، پست جمهوری اسلامی ایران - فرهنگ و تمدن اسلامی (فرش - ۱) - ۱۳۶۰، پست جمهوری اسلامی ایران - آب و کشت - ۱۳۶۰، پست جمهوری اسلامی ایران - انقلاب فرهنگی - ۱۳۶۰، پست جمهوری اسلامی ایران - فرهنگ و تمدن اسلامی (کعبه - ۲) - ۱۳۶۰، آغاز پانزدهمین قرن هجرت (۱) - ۱۳۵۸، آغاز پانزدهمین قرن هجرت (۲) - ۱۳۵۸، آغاز پانزدهمین قرن هجرت (۳) - ۱۳۵۸، آغاز پانزدهمین قرن هجرت (۱) - ۱۳۵۹، آغاز پانزدهمین قرن هجرت (۲) - ۱۳۵۹، آغاز پانزدهمین قرن هجرت (۳) - ۱۳۵۹، آغاز پانزدهمین قرن هجرت (۴) - ۱۳۵۹، روز جهانی قدس - ۱۳۵۹، روز جهانی قدس - ۱۳۶۱، بزرگداشت ستوان اسلامبولی - ۱۳۶۱، یادبود آیت الله سید محمد باقر صدر - ۱۳۶۱. در این پژوهش از نمونه‌گیری هدفمند^۱ استفاده شد. به همین سبب، دیدگاه افراد متخصص و آگاه را در انتخاب متن‌ها جویا شدیم. بیشتر آنان بر ارزشمندی تحلیل این متون تأکید داشتند. در پژوهش حاضر، علاوه بر تحلیل کیفی، تحلیل کمی و محاسبه آماری نیز مورد توجه بوده است. در تجزیه و تحلیل داده‌ها، ابتدا هر متن (تمبر) را به طور دقیق و کامل بررسی کردیم. سپس با توجه به الگوی تحلیل ون لیوون (Van Leeuwen, 2008)، مؤلفه‌های گفتمان‌مدار را شناسایی، تحلیل و تبیین نمودیم. در مرحله پسین، نمودهای زبانی مؤلفه‌های گفتمان‌مدار در متن‌ها تعیین شدند. سرانجام، افکار پنهان و ایدئولوژی مسلط در پس متون را مورد بازکاوی قرار دادیم. در بخش استنباطی، پایایی تخصیص مؤلفه‌های ۱۶ گانه تمبرها توسط ارزیاب داخلی و خارجی، از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده شد. همچنین، برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش از آزمون کای اسکوار (χ^2) استفاده شد.

۴. تحلیل داده‌ها

نگارنده به منظور شفاف سازی هر چه بیشتر مؤلفه‌ها و توصیف الگوی مربوطه، تمبرهای منتخب دهه ۵۰ که شامل هر دو دوره پیش و پس از انقلاب بودند را در دو بند بررسی نموده است. به این ترتیب که در بند نخست پنج نمونه از تمبرهای دهه مربوطه از دیدگاه جامعه‌شناختی - معنایی (تا اندازه‌ای ممکن از جنبه‌المان‌ها و شکل‌های به کار رفته در تمبرها و منظورشناسی)، بررسی شدند. در بند دوم، درصد و فراوانی مؤلفه‌های به کار رفته در متن‌های تحلیل شده تمبرهای دهه ۵۰ را مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند. از آنجائی که در این پژوهش، مجال پرداختن به همه ۷۸ نمونه

¹ purposive sample

منتخبی که به طور کامل مورد بررسی قرار گرفته اند نیست، پنج تصویر نمونه‌وار انتخاب شده‌اند. یافته‌هایی که در بخش نتیجه‌گیری این پژوهش اشاره خواهند شد بر پایه همه تمبرهای مورد مطالعه هستند. لازم به اشاره است که منظور نویسنده از متن در این پژوهش، تمبر است.

۴.۱. بررسی مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی بر اساس الگوی ون لیوون

نگارنده در چارچوب نظریهٔ تئوون لیوون به بررسی متون کلامی و تصویری تمبرهای دهه عنوان شده می‌پردازد. داده‌های این دهه در دوره‌ای از تاریخ، مسئولیت انتشار اخبار را عهده دار بودند. اخبار منتشر شده نیز قطعاً بازتاب فضای سیاسی - اجتماعی جامعه را در بر می‌گرفتند که بازنمایانندهٔ افکار و ایدئولوژی حاکم بر اذهان دولتمردان بود. میان مؤلفه‌های گفتمان‌مدار و ایدئولوژی، پیوندی دوسویه برقرار است. با بررسی این مؤلفه‌ها می‌توانیم به ایدئولوژی پنهان در آن سوی گفتمان و ایدئولوژی حاکم بر ذهن طراحان متن‌ها پی ببریم. به باور وداک (Wodak, 2006)، ایدئولوژی مهم‌ترین جنبه در ایجاد، حفظ و تثبیت روابط قدرت نابرابر است (Wodak, 2006, p. 6). مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی انواع و زیرمقوله‌های گوناگونی دارد که معرفی همهٔ آن‌ها در نوشتار حاضر نمی‌گنجد؛ بنابراین در متن‌های مورد بررسی فقط به تحلیل چند نمونه بسنده می‌کنیم:

۴.۱.۱. حذف

حذف، دارای دو زیر شاخه پنهان‌سازی و کمرنگ‌سازی است.

۴.۱.۱.۱. پنهان‌سازی

در پنهان‌سازی حذف به شکلی بسیار افراطی رخ می‌دهد و کنشگر به هیچ وجه در متن (تمبر) قابل بازیابی نیست.



شکل ۲: سری پستی محمدرضا پهلوی، ۵۱۳۵۰. ش (موزهٔ قدس آستان قدس رضوی)



شکل ۳: سری پستی جمهوری اسلامی ایران، ۵۱۳۶۰ ش (موزه قدس آستان قدس رضوی)

در شکل اول، دولت آن دوران، عامدانه هیچ ردپایی از بهره‌ور (ملت و اهمیت به آن مردمان) را در تمبرهای خود به کار نبرده است. تمبرهایی که معرف خودگردانان حکومت هستند. هر چند در شکل دوم کشاورزانی در تصویر دیده می‌شوند که در حال آبیاری زمین‌های کشاورزی هستند. آرم گوشه تصویر نشان از جهاد سازندگی دارد که هدف از آن جهاد، کمک به مردم مناطق محروم در راستای محرومیت‌زدایی است. در این تمبر، قدرت حکومت حذف و مشارکت مردمی و حکومتی قوت گرفته است.

۴. ۱. ۱. ۲. کمرنگ‌سازی

راه‌های تجلی کمرنگ‌سازی نیز مشابه به موارد پنهان‌سازی است فقط با این تفاوت که کنشگرهای حذف شده را به صورت ضمنی می‌توان از بافت متن (تصویر) دریافت.



شکل ۴: بیست و پنجمین سده شاهنشاهی ۵۱۳۵۰ ش (موزه قدس آستان قدس رضوی)

این تمبر، فقط مشتمل بر یک تاج شاهنشاهی است با پس‌زمینه ساده و خالی. این تصویر مجاز مرسلی است از یک نظام بزرگتر از یک حکومت سلطنتی و نور بالای تاج که نشان از قدرت و درخشش حکومت را دارد. در این تصویر، با اینکه چهره گرداننده حکومت حذف شده، اما تاج موجود در تصویر به طور ضمنی اشاره به قدرت شاه و نبود مشارکت مردمی در اداره حکومت را بیان می‌کند.

۴.۱.۲. جذب

بازنمایی کنشگران اجتماعی بر پایه شکل (۱) شیوه‌های گوناگونی دارد که در زیر به آن‌ها اشاره می‌شود. در این جا، به سبب آنکه مجال پرداختن به همه ۷۸ تمبر مورد بررسی امکان‌پذیر نیست، فقط به بررسی چند مورد بسنده می‌کنیم.

۴.۱.۲.۱. فعال‌سازی

فعال‌سازی، هنگامی رخ می‌دهد که کارگزاران اجتماعی به عنوان نیروهای فعال و پویا در یک فعالیت نمایش داده می‌شوند. هنگامی که کارگزاران متحمل اثر یک فعالیت می‌شوند، منفعل‌سازی انجام شده‌است. راه‌های گوناگون تجلی فعال‌سازی در زبان عبارت اند از:

الف. شرکت داشتن

هنگامی که فعال‌سازی به این وسیله صورت می‌گیرد، نقش فعال کنشگرهای اجتماعی مورد بحث به آشکارترین شکل برجسته می‌شود.



شکل ۵: انقلاب اسلامی ایران، ۱۳۵۸ ه.ش (موزه قدس آستان قدس رضوی)

این تمبر اشاره به ۱۵ خرداد، دستگیری آیت الله خمینی (ره) توسط رژیم شاهنشاهی و تظاهرات مردمی دارد. در واقع، این تمبر اشاره به نقش فعال مردم در تظاهرات دارد.

ب. موقعیت‌سازی

نمونه مورد اشاره در بالا (شکل ۴) علاوه بر اینکه به مشارکت مردم اشاره دارد، به موقعیت‌سنجی افراد هم اشاره می‌کند. زیرا در آن زمان و در آن موقعیت، دست‌های خونینی که در حال شعارند و از کشته شدن باکی ندارند، بر این باورند که مرگ در راه اعتقاداتشان، مرگی با ارزش است. این مرگ، به گونه‌ای، تعادل همگون با واقعه انقلاب دارد و مجاز مرسلی است از اعتقادات پاک شیعیان. شیعیانی که در طول تاریخ برای احقاق عدالت و حق علیه باطل تلاش کرده‌اند که همیشه به قیمت جان گرانمایه بوده‌است.

۴.۱.۲.۲. منفعل سازی

در منفعل سازی، کنشگر اجتماعی متحمل از یک کنش می شود و به گونه ای تصویرسازی می شود که یا آن را می پذیرد و یا به خود می گیرد.



شکل ۶: جشن فرهنگ و هنر، ۱۳۵۲ ه.ش (موزه قدس آستان قدس رضوی)

در پس زمینه تمبر، جشن و فرهنگ و هنر ۱۳۵۲ ه.ش، از پس زمینه ای با رنگ های گرم چون نارنجی و زرد استفاده شده است. طرح آن تکرار موزون سه شخصیت زن، مرد و کودک است که یک خانواده را در ذهن تداعی می کند. این طرح چون به طبقه خاصی در جامعه اشاره ندارد، گویای این است که این جشن برای همه اقشار خانواده های ایران در همه گروه های سنی است. در واقع، مشارکت آن ها در پیشبرد اهداف (وانمود کردن این مسأله که دولت در فکر تأمین امور رفاهی خانواده ها است، در حالی که این امر فقط ظاهر سازی حکومت در برابر قدرت مردان خارجی است) این جشن بسیار اهمیت دارد. نقش موزون آن یادآور شخصیت های تخت جمشید نیز هست.

الف. مطیع سازی

در نمونه بالا، شرکت کنشگرهای اجتماعی منفعل (شرکت خانواده ها در جشن) به عنوان هدف در فرآیند عینی، گویای مطیع سازی است.

ب. بهره ور سازی

در بهره ور سازی کنشگر به طور غیر مستقیم دریافت کننده نتیجه عمل است. دوباره در نمونه مورد اشاره در بالا، مشاهده می کنیم که بهره ورانی که از مشارکت خانواده ها در جشن، بیشترین سود را می برند، خود دولتمردان امر هستند نه خانواده ها. به ظاهر خانواده ها در

جشن شرکت می‌کند و از آن لذت می‌برند. با این وجود، بهره‌وران واقعی این جشن دولت‌مردان هستند که با این کار چهره محبوب سیاسی در بین رقبای خارجی به خود می‌گیرند و بیشترین و بالاترین بهره را از این امر می‌برند.

۲.۴. فراوانی و درصد مؤلفه‌های به کار رفته در متن‌های تحلیل شده تمبرهای

دهه ۵۰

برای تعیین میزان بازنمایی کنشگران اجتماعی در متن‌های گفتمان‌مدار، در این بخش ابتدا داده‌های به‌دست‌آمده از نمونه تمبرهای مورد بررسی پیش و پس از انقلاب؛ به وسیله جدول‌های آماری توصیف و اطلاعات مربوط به آن نشان داده شده‌است. سپس در بخش استنباطی، پایایی تخصیص مؤلفه‌های ۱۶ گانه به تمبرها توسط ارزیاب داخلی و خارجی با استفاده از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و برای پاسخ به پرسش‌های پژوهش از آزمون کای اسکوار (χ^۲) استفاده شده‌است.

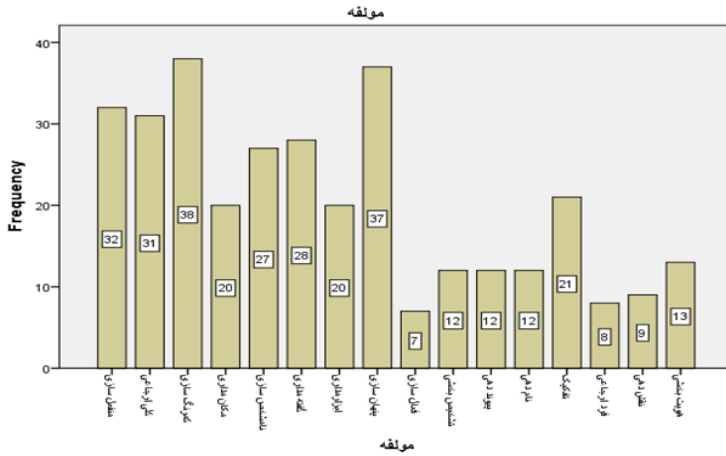
۲.۴.۱. آمار توصیفی

الف. توزیع فراوانی تعداد دفعات کاربرد مؤلفه‌های ۱۶ گانه در تمبرهای پیش از انقلاب

بر پایه جدول (۱) مشاهده می‌شود پرکاربردترین مؤلفه‌ها در این ۳۹ تمبر پیش از انقلاب به ترتیب؛ کمرنگ‌سازی، پنهان‌سازی، منفعل‌سازی و کلی ارجاعی بوده و کمترین کاربرد را مؤلفه‌های فعال‌سازی، فردارجاعی و نقش‌دهی داشتند.

جدول ۱: توزیع فراوانی تعداد دفعات کاربرد مؤلفه‌های ۱۶ گانه در تمبرهای پیش از انقلاب

متغیر	تعداد	درصد
مغفول سازی	۳۲	۹/۸
کلی ارجاعی	۳۱	۹/۵
کمرنگ‌سازی	۳۸	۱۱/۶
مکان‌مداری	۲۰	۶/۱
نامشخص سازی	۲۷	۸/۳
گفته‌مداری	۲۸	۸/۵
ایزار‌مداری	۲۰	۶/۱
پنهان‌سازی	۳۷	۱۱/۳
فعال‌سازی	۷	۲/۱
تشخص بخشی	۱۲	۳/۷
پیوند دهی	۱۲	۳/۷
نام‌دهی	۱۲	۳/۷
تفکیک	۲۱	۶/۴
فرد ارجاعی	۸	۲/۴
نقش‌دهی	۹	۲/۸
هویت بخشی	۱۳	۴
جمع کل	۳۲۷	۱۰۰



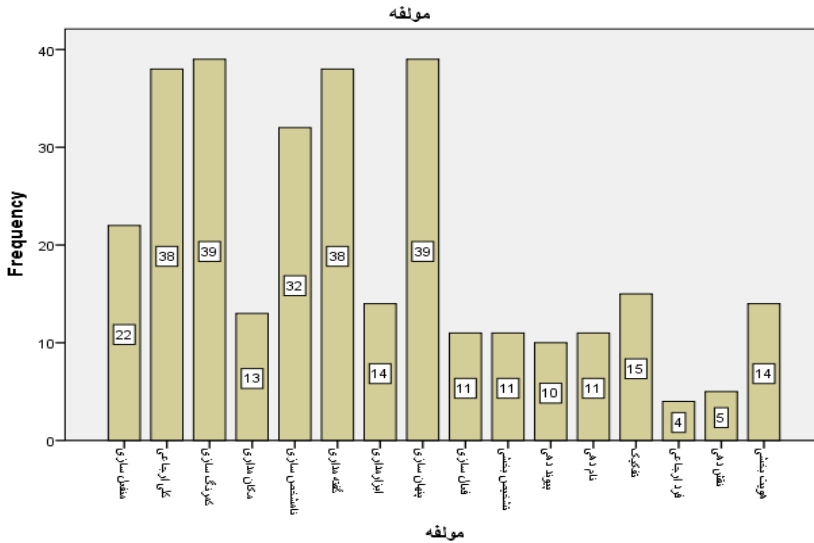
شکل ۷: توزیع فراوانی تعداد دفعات کاربرد مؤلفه‌های ۱۶ گانه در تمبرهای پیش از انقلاب

ب. توزیع فراوانی تعداد دفعات کاربرد مؤلفه‌های ۱۶ گانه در تمبرهای پس از انقلاب

بر پایه جدول (۲) مشاهده می‌گردد پرکاربردترین مؤلفه‌ها در این ۳۹ تمبر بعد از انقلاب به ترتیب کمرنگ‌سازی، پنهان‌سازی، کلی‌ارجاعی، گفته‌مداری و نامشخص‌سازی بوده و کمترین کاربرد را مؤلفه‌های فردارجاعی و نقش‌دهی داشتند.

جدول ۲: توزیع فراوانی شمار دفعه‌های کاربرد مؤلفه‌های ۱۶ گانه در تمبرهای پس از انقلاب

مؤلفه	تعداد	درصد
جمع کل	۳۱۶	۱۰۰
هویت‌بخشی	۱۴	۴/۴
نقش‌دهی	۵	۱/۶
فردارجاعی	۴	۱/۳
تفکیک	۱۵	۴/۷
نام‌دهی	۱۱	۳/۵
پیوند‌دهی	۱۰	۳/۲
تشخیص‌بخشی	۱۱	۳/۵
فعال‌سازی	۱۱	۳/۵
پنهان‌سازی	۳۹	۱۲/۳
ابزار‌مداری	۱۴	۴/۴
گفته‌مداری	۳۸	۱۲
نامشخص‌سازی	۳۲	۱۰/۱
مکان‌مداری	۱۳	۴/۱
کمرنگ‌سازی	۳۹	۱۲/۳
کلی‌ارجاعی	۳۸	۱۲
متغیر	۲۲	۷



شکل ۸: توزیع فراوانی تعداد دفعات کاربرد مؤلفه‌های ۱۶ گانه در تمبرهای پس از انقلاب

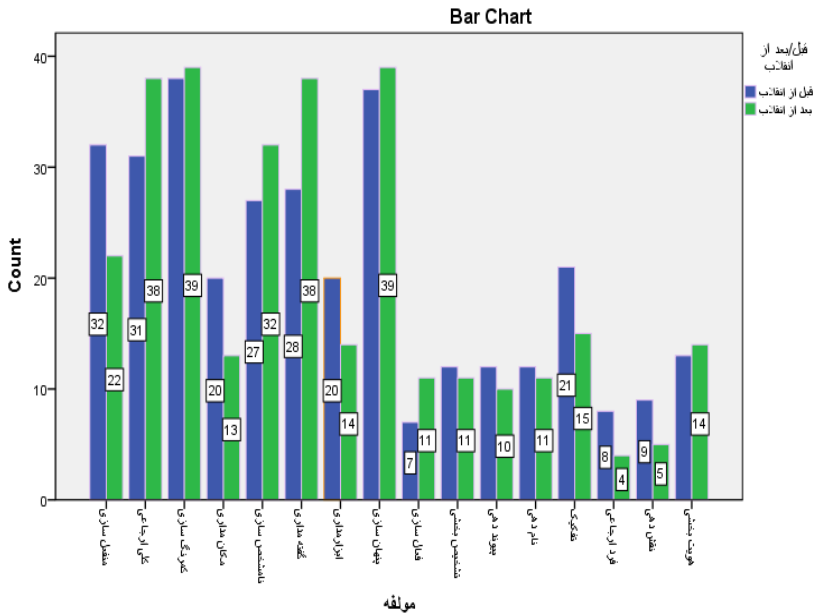
ج. توزیع فراوانی تعداد دفعات کاربرد مؤلفه‌های ۱۶ گانه در تمبرهای پیش و پس از انقلاب

بر پایه جدول (۳) مشاهده می‌گردد پرکاربردترین مؤلفه‌ها در این ۷۸ تمبر مورد بررسی پیش و پس از انقلاب به ترتیب؛ کمرنگ‌سازی، پنهان‌سازی، کلی ارجاعی و گفته‌مداری و کمترین کاربرد را مؤلفه‌های فردارجاعی و نقش‌دهی داشتند.

جدول ۳: توزیع فراوانی تعداد دفعه‌های کاربرد مؤلفه‌های ۱۶ گانه در تمبرهای پیش و پس از انقلاب

متغیر	پیش از انقلاب	پس از انقلاب	جمع کل
تعداد	۳۲	۲۲	۵۴
درصد	۹/۸	۷	۸/۴
تعداد	۳۱	۳۸	۶۹
درصد	۹/۵	۱۲	۱۰/۷
تعداد	۳۸	۳۹	۷۷
درصد	۱۱/۶	۱۲/۳	۱۲
تعداد	۲۰	۱۳	۳۳
درصد	۶/۱	۴/۱	۵/۱

متغیر	پیش از انقلاب	پس از انقلاب	جمع کل
نامشخص سازی	تعداد	۲۷	۵۹
	درصد	۸/۳	۹/۲
گفته مداری	تعداد	۲۸	۶۶
	درصد	۸/۶	۱۰/۳
ابزار مداری	تعداد	۲۰	۳۴
	درصد	۶/۱	۵/۳
پنهان سازی	تعداد	۳۷	۷۶
	درصد	۱۱/۳	۱۱/۸
فعال سازی	تعداد	۷	۱۸
	درصد	۲/۱	۲/۸
تشخیص بخشی	تعداد	۱۲	۲۳
	درصد	۳/۷	۳/۶
پیونددهی	تعداد	۱۲	۲۲
	درصد	۳/۷	۳/۴
نام دهی	تعداد	۱۲	۲۳
	درصد	۳/۷	۳/۶
تفکیک	تعداد	۲۱	۳۶
	درصد	۶/۴	۵/۶
فردار جاعی	تعداد	۸	۱۲
	درصد	۲/۴	۱/۹
نقش دهی	تعداد	۹	۱۴
	درصد	۲/۸	۲/۲
هویت بخشی	تعداد	۱۳	۲۷
	درصد	۴	۴/۲
جمع کل	تعداد	۳۲۷	۶۴۳
	درصد	۱۰۰	۱۰۰



شکل ۸: توزیع فراوانی تعداد دفعه‌های کاربرد مؤلفه‌های ۱۶ گانه در تمبرهای پیش و پس از انقلاب

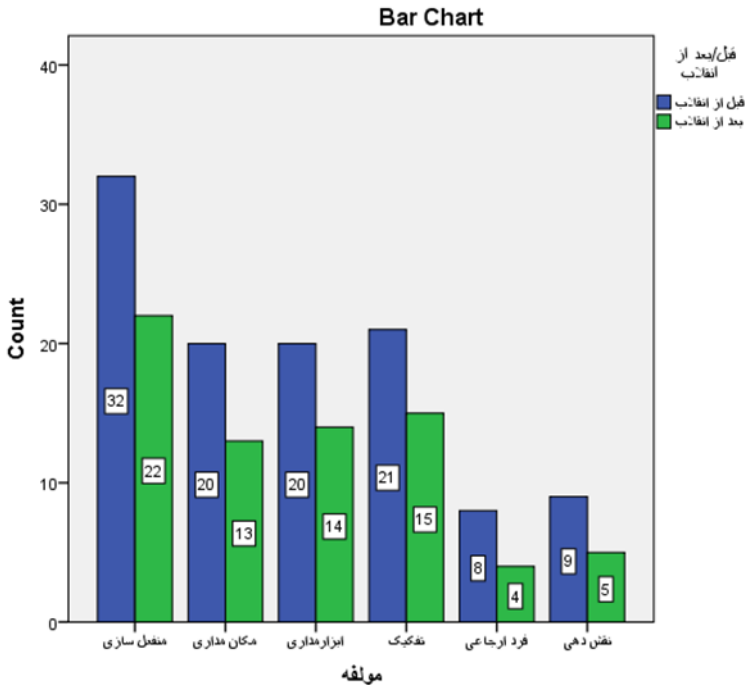
۴.۲.۲. آمار استنباطی

الف. پرسش نخست: وضعیت کاربرد مؤلفه‌های منفعل‌سازی، مکان‌مداری، ابزارمداری، تفکیک، فردارجاعی و نقش‌دهی در تمبرهای پیش و پس از انقلاب چگونه است؟

بر پایه اطلاعات جدول (۳) مشاهده می‌گردد: کاربرد مؤلفه‌های منفعل‌سازی، مکان‌مداری، ابزارمداری، تفکیک، فردارجاعی و نقش‌دهی در تمبرهای پیش از انقلاب تا اندازه‌ای بیشتر از تمبرهای پس از انقلاب است. هر چند بر پایه اطلاعات جدول (۴) مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری آزمون $p > 0.05$ بوده است. از نظر آماری این تفاوت معنی‌دار نبوده، در نتیجه در کاربرد این مؤلفه‌ها در تمبرهای پیش و پس از انقلاب تفاوت بسیاری وجود ندارد.

جدول ۴: آزمون تفاوت نسبت‌ها تعداد دفعه‌های کاربرد مؤلفه‌های ۶ گانه

در تمبرهای پیش و پس از انقلاب	
χ^2	۰/۴
P	۰/۹۹

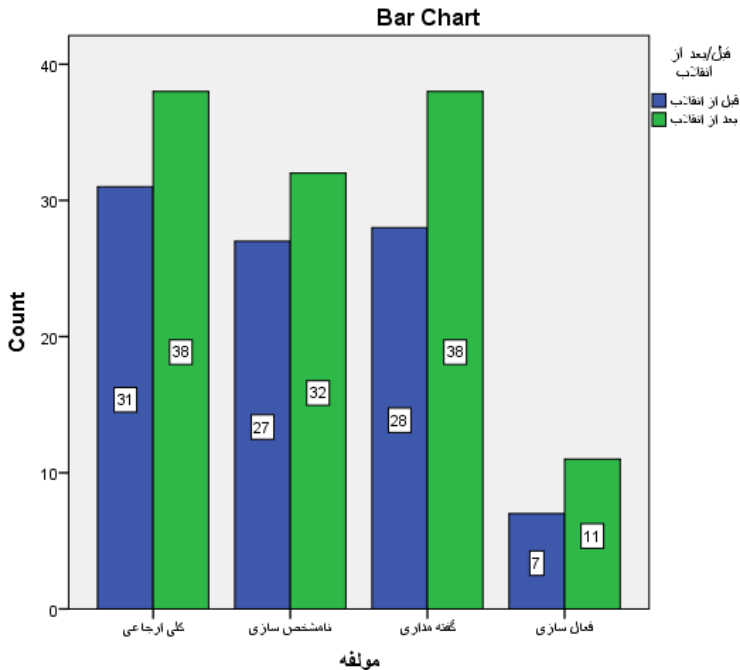


شکل ۹: توزیع فراوانی تعداد دفعه‌های کاربرد مؤلفه‌های ۶ گانه در تمبرهای پیش و پس از انقلاب

ب. پرسش دوم: وضعیت کاربرد مؤلفه‌های کلی ارجاعی، نامشخص‌سازی، گفته‌مداری و فعال‌سازی در تمبرهای پیش و پس از انقلاب چگونه است؟
 بر پایه جدول (۳) مشاهده می‌گردد کاربرد مؤلفه‌های کلی ارجاعی، نامشخص‌سازی، گفته‌مداری و فعال‌سازی در تمبرهای پس از انقلاب بیشتر از تمبرهای پیش از انقلاب است. هر چند بر پایه اطلاعات جدول (۵) مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری آزمون $p > 0/05$ بوده است. از دیدگاه آماری این تفاوت معنی‌دار نبوده، در نتیجه در کاربرد این مؤلفه‌ها در تمبرهای پیش و پس از انقلاب تفاوت بسیاری وجود ندارد.

جدول ۵: آزمون تفاوت نسبت‌ها تعداد دفعات کاربرد مؤلفه‌های ۴ گانه

در تمبرهای پیش و پس از انقلاب	
χ^2	۰/۳۵
P	۰/۹۴



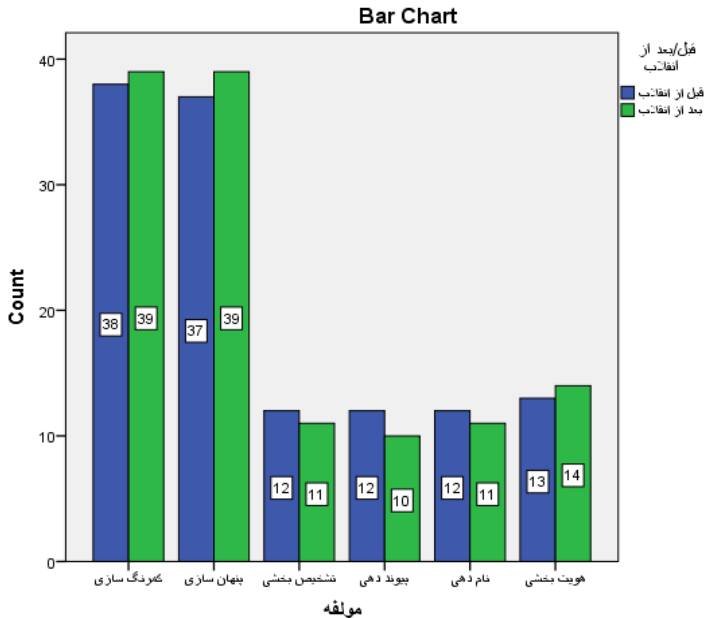
شکل ۱۰: توزیع فراوانی تعداد دفعات کاربرد مؤلفه‌های ۴ گانه در تمبرهای پیش و پس از انقلاب

ج. پرسش سوم: وضعیت کاربرد مؤلفه‌های کمرنگ‌سازی، پنهان‌سازی، تشخیص‌بخشی، پیونددهی، نام‌دهی و هویت‌بخشی در تمبرهای پیش و پس از انقلاب چگونه است؟

بر پایه اطلاعات جدول (۳) مشاهده می‌گردد که کاربرد مؤلفه‌های کمرنگ‌سازی، پنهان‌سازی، تشخیص‌بخشی، پیونددهی، نام‌دهی و هویت‌بخشی در تمبرهای پیش و پس از انقلاب تقریباً در یک سطح هستند. همچنین بر اساس جدول (۶) مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری آزمون ۰/۰۵ $p >$ بوده و از نظر آماری میزان کاربرد مؤلفه‌های مورد اشاره در تمبرهای پیش و پس از انقلاب تفاوت معنی‌داری با یک‌دیگر نداشته و تا حدودی یکسان مورد کاربرد قرار گرفته‌اند.

جدول ۶: آزمون تفاوت نسبت‌ها تعداد دفعه‌های کاربرد مؤلفه‌های ۶ گانه

در تمبرهای پیش و پس از انقلاب	
χ^2	۰/۳۷
P	۰/۹۹



شکل ۱۱: توزیع فراوانی تعداد دفعه‌های کاربرد مؤلفه‌های ۱۶ گانه در تمبرهای پیش و پس از انقلاب

۳.۲.۴. پایایی تعداد دفعات کاربرد مؤلفه‌های ۱۶ گانه در تمبرهای پیش و پس از

انقلاب در بین ارزیاب‌های داخلی و خارجی

بر پایه آزمون ضریب همبستگی پیرسون انجام شده و مطابق جدول ۷ مشاهده می‌شود، در تمامی تمبرهای پیش و پس از انقلاب اسلامی سطح معنی‌داری آزمون $p = ۰/۰۰۰$ و زیر $۰/۰۵$ و مقدار $I = ۰/۹۹$ است. در نتیجه همبستگی بسیار قوی میان تخصیص مؤلفه‌های ۱۶ گانه به تمبرهای پیش و پس از انقلاب از سوی ارزیاب داخلی و خارجی وجود دارد که نشان‌دهنده پایایی مورد قبول آن‌ها است.

جدول ۷: همبستگی بین تعداد دفعه‌های کاربرد مؤلفه‌های ۱۶ گانه در تمبرهای پیش و پس از

انقلاب اسلامی در بین ارزیاب‌های داخلی و خارجی

تعداد دفعات کاربرد مؤلفه‌ها قبل و بعد از انقلاب توسط ارزیاب خارجی			همبستگی
P	R	N	
۰/۰۰۰	۰/۹۹	۶۶	تعداد دفعه‌های کاربرد مؤلفه‌ها پیش و پس از انقلاب توسط ارزیاب داخلی

۵. نتیجه‌گیری

رسالت تحلیل گفتمان انتقادی و تحلیل گران این حوزه، آشکارسازی اهداف پنهان در پس متن‌ها و ساخت‌های ایدئولوژیک یا گفتان‌مدار است که برای آگاهی‌بخشی به جامعه، پرده از ایده‌های پنهان بردارند. در این زمینه، افراد جامعه با دید باز، به اهداف دولتمردان پی برده و آگاهانه مسائل را تجزیه و تحلیل نمایند. در این پژوهش، کوشیدیم با بهره‌گیری از الگوی ون لیوون (Van Leeuwen, 2008) و بررسی شیوه‌های بازنمایی کنشگران اجتماعی در تمبرهای دهه ۵۰، به ایدئولوژی نهفته در پس این متن‌ها و تأثیر آن بر طراحی‌های این دهه پی ببریم. گفتنی است که یافته‌های زیر در سطح پیکره ۷۸ تمبر مورد پژوهش قابلیت تعمیم دارند، نه در سطح کلی؛ زیرا قضاوت در مورد پاسخ قطعی به پرسش‌های پژوهش به پیکره بسیار وسیع نیاز دارد و پژوهش دیگری می‌طلبد.

در پاسخ به پرسش نخست پژوهش، باید بگوییم نظام گفتمانی تمبر با استفاده از المان‌ها، نمادها و تصاویر توان بازتولید هویت‌های فرهنگی و ملی همسو با اعتقادات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی حکومت‌ها را دارا است. زیرا تمبر ردی از تاریخ است که ما با نام حافظه بازنمایی شده تاریخ از آن یاد می‌کنیم. به منظور شفاف‌سازی هر چه بیشتر پرسش اول، تمبرهای منتخب دهه ۱۳۵۰ را به صورت مقابله‌ای، براساس الگوی ون لیوون (Van Leeuwen, 2008) از منظر جامعه‌شناختی-معنایی (براساس مؤلفه‌های گفتان‌مدار) بررسی کردیم. مشاهده نمودیم که تصاویر به کار رفته در تمبرها، وابستگی زیادی به حکومتی که به واسطه آن تمبرها به چاپ رسیده، دارند و ابزاری برای انتقال اطلاعات از نسلی به نسل دیگر هستند. بیشتر قریب به اتفاق تفکرات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی نهفته در دل تصاویر با به کارگیری مؤلفه‌های پنهان‌سازی و کمرنگ‌سازی به مخاطب خود انتقال می‌یابند. مؤلفه‌های گفتان‌مدار می‌توانند زبان‌شناختی یا جامعه‌شناختی-معنایی باشند؛ اما با بررسی تصاویر و یافته‌های به دست آمده می‌توان اشاره کرد که همه مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی لزوماً، نمود صوری زبان‌شناختی ندارند. نکته مهم در زمینه مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی این است که کارایی مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی در نشان دادن لایه‌های متفاوت گفتمان و آشکارسازی معنای پنهان متن بیشتر باشد.

در پاسخ به پرسش دوم پژوهش، می‌توان گفت رابطه بین عناصر ساختاری و دیداری در تمبر با گفتمان قدرت، با توجه به عملکردهای حکومتی دولتمردان متفاوت است. همچنین، ایدئولوژی حاکم بر اذهان دولتمردان با بهره‌گیری از مؤلفه‌های گفتان‌مدار ویژه، همچون تشخیص‌بخشی، منفعل‌سازی، کمرنگ‌سازی، پنهان‌سازی و سایر مؤلفه‌های گفتان‌مدار ون لیوون (Van

(Leeuwen, 2008)، در متن‌ها (تمبرها) بازنمایی شده‌است. در واقع، میان مؤلفه‌های گفتمان‌مدار و ایدئولوژی، رابطه دوسویه برقرار است. با بررسی این مؤلفه‌ها می‌توان به ایدئولوژی پنهان در پس گفتمان و ایدئولوژی حاکم بر ذهن طراحان تمبرها پی ببریم. در این پژوهش، با استخراج مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی-معنایی و بررسی کمی و کیفی (۷۸ تمبر مورد پژوهش)، توانستیم به ایدئولوژی حاکم بر متن‌ها پی ببریم. به این منظور، با نگاهی به مجموع یافته‌های به‌دست آمده از تحلیل‌های آماری، مشخص گردید که برخی مؤلفه‌های گفتمان‌مدار، مانند کمرنگ‌سازی، پنهان‌سازی، کلی‌ارجاعی، گفته‌مداری، نام‌مشخص‌سازی، منفعل‌سازی، تفکیک و ابزارمداری با فراوانی بیشتر در متن‌های مورد بررسی (تمبرها) به کار رفته‌اند. این امر، سبب بازنمایی ایدئولوژی حاکم بر اذهان دولتمردان در تمبرهای دوره مربوطه گردیده‌اند. دیگر مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی، مانند فردارجاعی، نقش‌دهی، فعال‌سازی، پیونددهی، تشخیص‌بخشی، نام‌دهی، هویت‌بخشی و مکان‌مداری البته با فراوانی کمتر نیز شاهد این مدعا هستند.

در پژوهش حاضر نشان دادیم که شکل‌ها و المان‌های به کار گرفته‌شده در تمبرها در خدمت مؤلفه‌های جامعه‌شناختی-معنایی قرار می‌گیرند. هر چند، این مؤلفه‌ها نیز به نوبه خود توسط ایدئولوژی‌ها و ایدئولوژی‌ها نیز به وسیله روابط قدرت در گستره وسیع تر و کلان جامعه تعیین می‌شوند. فرکلاف (Fairclough, 1989) هدف نهایی و کاربردی‌تر تحلیل گفتمان انتقادی را افزایش هوشیاری مردم نسبت به زبان و قدرت و به ویژه نسبت به اینکه چگونه زبان در سلطه برخی‌ها بر برخی دیگر نقش دارد، می‌داند (همان، ۴). انگیزه پژوهش حاضر رسیدن به آگاهی‌بخشی و تقویت تفکر انتقادی بوده‌است. یکی از پیامدهای نظری پژوهش حاضر، صحه گذاشتن بر ادعای زبان‌شناسان نقش‌گرا، مبنی بر تقدم نقش بر صورت است. در مقابل زبان‌شناسان صورت‌گرا که صورت زبان را مقدم بر نقش آن می‌دانند، نقش‌گرایان معتقدند که این نقش کاربردی زبان است که صورت زبانی را در اداره خود می‌گیرد. در این پژوهش، با تحلیل‌های انجام‌شده نشان دادیم که صورت زبان به گونه‌ای شکل می‌گیرد که بتواند نقش‌هایی را بازی کند که توسط گفتمان به آن واگذار می‌شود. گزینش شکل‌ها و المان‌های ویژه در تمبرها، همگی در خدمت ایفای نقشی هستند که ساختارهای اجتماعی بزرگتر از زبان به زبان سپرده‌اند. در این پژوهش، مشخص شد که می‌توان تحلیل گفتمان انتقادی را به عنوان یکی از ابزارهای مفید برای بررسی متن‌ها برای ردیابی ایدئولوژی‌های مسلط بر آن‌ها انگاشت. همچنین مشخص شد که الگوی کنشگران اجتماعی ون لیوون (Van Leeuwen, 2008)، الگوی کارآمدی برای انجام

پژوهش‌هایی از این گونه به شمار می‌آیند. به نظر نگارنده، پژوهش‌های این چنینی می‌توانند در سازمان‌ها و نهادهای زیر مورد استفاده قرار گیرند:

معاونت اقتصادی وزارت اقتصاد و دارائی، سازمان بورس اوراق بهادار، معاونت ارزی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، معاونت امور بین‌المللی وزارت نفت، سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش، روابط بین‌الملل وزارت امور خارجه، معاونت واحد اطلاعات و اخبار سازمان صدا و سیما، معاونت پژوهشی دانشگاه‌ها (با برگزاری همایش‌ها (آشکارسازی: بردن درجه و رتبه علمی دانشگاه، چاپ و نشر کتاب‌های آموزشی. پنهان‌سازی: درآمدزایی بر دانشگاه)، انجمن روان‌شناسان ایران.

فهرست منابع

- آقاگل زاده، فردوس. (۱۳۸۳). روش‌شناسی تحقیق در تحلیل گفتمان انتقادی. مجموعه مقاله‌های ششمین کنفرانس زبان‌شناسی. به کوشش ابراهیم کاظمی. تهران: دانشگاه علامه طباطبائی. صص ۱-۱۰
- آقاگل زاده، فردوس. (۱۳۸۵). تحلیل گفتمان انتقادی. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پهلوان نژاد، محمدرضا، رحمان صحراگرد و محمدهادی فلاحتی (۱۳۸۸). «شیوه‌های بازنمایی کارگزاران اجتماعی در نشریات دوره مشروطه از منظر گفتمان‌شناسی انتقادی با عنایت به مؤلفه‌های گفتمان‌مدار جامعه‌شناختی - معنایی». *زبان‌شناسی و گویش‌های خراسان*. دوره ۱. شماره ۱. صص ۵۱-۷۳.
- حیدری تبریزی، حسین و آیت‌الله رزم‌جو (۱۳۸۴). «شیوه‌های تصویرسازی کارگزاران اجتماعی در گفتمان فارسی: تحلیل توجیهی گفتمان با عنایت به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی». *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز*. دوره ۴۸. شماره ۱۹۵. صص ۱-۳۴.
- دواتگرزاده، گلناز. (۱۳۸۷). *بازنمایی کارگزاران اجتماعی در کتب Interchange: تحلیل انتقادی گفتمان با عنایت به مؤلفه‌های جامعه‌شناختی - معنایی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه شیراز.
- سلطانی، علی اصغر. (۱۳۸۴). *قدرت، گفتمان و زبان*. تهران: نشر نی.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۹۱). *نشانه - معناشناسی دیداری: نظریه و تحلیل گفتمان هنری*. چ ۱. تهران: انتشارات سخن.
- شعیری، حمیدرضا. (۱۳۹۵). *نشانه - معناشناسی ادبیات، نظریه و روش تحلیل گفتمان ادبی*. تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- شعیری، حمیدرضا و پانته آنبی‌یان. (۱۳۹۶). تحلیل روایی فرایند تشخیص در چارچوب نشانه - معناشناسی گفتمانی: مطالعه موردی «دسته گل» اثر چوبک. *زبان‌پژوهی*. دوره ۹. شماره ۲۵. صص ۲۵-۵۱.
- کلانتریان، ندا. (۱۳۹۱). *توصیف و تحلیل زبان‌شناختی گفت‌وگوهای هسته‌ای ایران بین دو جناح اصلاح‌طلب و اصول‌گرا: دیدگاه تحلیل گفتمان انتقادی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.

- مرکز آموزش شرکت پست جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۸۲). جهان تمبر. ج ۱. تهران: سپهر افروز.
- نعمتی، آزاده. (۱۳۹۷). «میزان رازگونگی متون خبری فارسی و انگلیسی: بررسی موردی انتخابات ۲۰۱۶ ریاست جمهوری امریکا». *زبان پژوهی*. دوره ۱۰. شماره ۲۸. صص ۸-۸.
- نوین فرح بخش، فریدون. (۱۳۹۳). *راهنمای تمبرهای ایران (قاجار - پهلوی - جمهوری اسلامی ایران)*. ج ۱۳. تهران: فرح بخش.
- یارمحمدی، لطف الله و لیدا سیف (۱۳۸۳). بازنمایی کارگزاران اجتماعی در مناقشات فلسطین و اسرائیل از طریق ساختارهای گفتمان مدار جامعه‌شناختی-معنایی. *مجموعه مقاله‌های ششمین کنفرانس زبان شناسی*. به کوشش ابراهیم کاظمی. تهران: مجله دانشگاه علامه طباطبائی. صص ۳۳۴-۴۲۱.

References

- Aghagolzadeh, F. (2004). Methodology in critical discourse analysis (CAD). In E. Kazemi (Ed.), *proceedings the sixth conference on linguistics* (pp. 1-10). Tehran: Allameh Tabatabai University [In Persian].
- Aghagolzadeh, F. (2006). *Critical discourse analysis*. Tehran: Scientific-Research Co.
- Amal-Saleh, E. (2004). *The representation of social actors in the EFL text books in Iran*. (Unpublished PhD dissertation), Shiraz university, Shiraz, Iran [In Persian].
- Davatgarzadeh, G. (2008). *The representation of social actors in Interchange series: a critical discourse analysis with respect to the socio-semantic features* (Master's thesis), Shiraz University. Shiraz, Iran [In Persian].
- Fairclough, N. (1989). *Language and power*. London: Longman.
- Fard, F. (2003). *A comparative study of children's stories and adults short stories within the framework of CDA* (Unpublished Master's thesis), Shiraz university, Shiraz, Iran [In Persian].
- Heiddari Tabrizi, H., Razmjou, SA. (2005). The representation of social actors in the Persian discourse: discourse analysis based on the socio-semantic elements. *Journal of Faculty of Letters and Humanities Tabriz*, 48(195), 1-34. [In Persian]
- Hodge, R., & Kress, G. (1988). *Social Semiotics*. Cambridge: Polity Press.
- Jorgenson, M., & Phillips, L. (2002). *Discourse analysis as theory and method*. London: SAGE.
- Kalantarian, N. (2012). *Linguistic description and analysis of Iran nuclear talks between reformists and fundamentalists: critical discourse analysis* (Master's thesis). Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. [In Persian]
- Kress, G. (1985). *Linguistic processes in sociocultural practice*. Victoria, Australia: Deakin University Press.
- Nemati, A. (2018). Mystification rate in Persian and English news articles: a case study of the US presidential election in 2016. *Zabanpazhuhi*, 10(28), 8-8.
- Novin Farahbakhsh, F. (2014). *The stamps of Iran (Qajar, Pahlavi, Islamic Republic of Iran)*. (13th ed.). Tehran: Farahbakhsh [In Persian].
- Pahlavannezhad, M., Sahragard, R., & Fallahi, M. (2009). The representation of social actors in the periodical of the constitutional revolution from the perspective of critical discourse with regard to the components of sociological-semantic discourse. *Journal of Linguistics & Khorasan Dialects*, 1(1), 51-73 [In Persian].
- Shairi, H. (2012). *Visual semiotics: theories and analysis of art discourse*. Tehran: Sokhan [In Persian].
- Shairi, H. (2016). *Semiosemanic in Literature: theory and practical discourse analysis*. Tehran: Tarbiat Modares University [In Persian].

- Shairi, H. & Nabian, P. (2017). Discursive-semiotics criticism of personification as a process in literary discourse: a case study of “a bunch of flowers” by Choobak. *Zabanpazhuhi*, 9(25), 25-58 [In Persian].
- Soltani, A. (2005). *Power, discourse and Language*. Tehran: Ney [In Persian].
- Training post office of the Islamic Republic of Iran (2003). *Stamp World*. (1nd ed.). Tehran: SepehrAfroz. [In Persian]
- Van Leeuwen, T. (1993). Genre and field in CDA. *Discourse and Society*, 4(2), 193-224.
- Van Leeuwen, T. (1995). *Representing social action*. *Discourse and Society*, 6(1), 81-106.
- Van leeuwen, T. (1996). The representation of social actors. In C. R. Caldas-Coulthard, & M. Coulthard (Eds.), *Texts and practices: Readings in CDA* (pp. 32-70). London: Routelge.
- Van Leeuwen, T. (2005 & 1998). *Introducing social semiotics*. Routledge: London & New York.
- Van Leeuwen, T. (2008). *Discourse and practice: new tools for critical discourse analysis*. Oxford: Oxford University Press.
- Wodak, R. (2006). Mediation between discourse and society: Assessing cognitive approaches in CDA. *Discourse and Society*, 8(1), 179-190.
- Yar-Mohammadi, L. & Saif, L. (2004). Representation of social agents in the Palestinian-Israeli conflict through community-based cognitive-semantic structures of discourse. In E. Kazemi (Ed.), *proceedings the sixth conference on linguistics* (pp. 334-421). Tehran: Allameh Tabataba'i University [In Persian].

Fifties Stamps discourse from the Applied Semantics Perspective Based on Van Leeuwen Critical Discourse Analysis Approach

Sedighe Omidi Oskoui¹
Mohammad Ali Torabi^{*2}
Hanieh Davatgari Asl³

Received: 31/12/2018

Accepted: 04/02/2019

Abstract

Critical discourse analysis is a new branch of discourse analysis that addresses the cause and justification of contents and, in other words, the disclosure of information. Critical discourse analysis reveals the relationship among language, power and ideology through discovering discursive structures or features. Analyzing the discursive features of texts (stamps), the author intends to link them to the methods of representation of actors to reach hidden messages in texts and show that the methods of representation of actors are different, depending on stamp producers' attitudes, and that stamps are directional. Text production, including image, seems to be a discourse, a social act. The effective use of language means that ideological constructions are indirectly presented to listeners through language. To realize this, language and discourse should include levels and layers. Language and discourse include ideology and the relations of power and domination at lower levels, and include discourse structures and events at higher levels. The present research aims to discover the hidden layers of stamp meanings within the framework of critical discourse analysis. Analyzing visual and written texts, the author explores how stamps portray language as evident, natural and inevitable culture and examine its different discourse, social and cultural functions. According to Fairclough (1989), critical discourse analysis represents communications kept hidden from the eyes of people in society. In critical discourse analysis, there is a tendency towards image analysis, as if images are linguistic texts. Van Leeuwen (1996) tried to create a theory and method to analyze multi-modal texts, which use different semiotic systems like language, image, or voice. Using elements, symbols and images, the discourse system of stamps is able to reproduce cultural and national identities in line with governments' political, cultural, and social beliefs, and stamps use both visual and written layers to represent historical memory for one's audiences. In fact,

¹ PhD Student of Linguistics, Islamic Azad University, Ahar Branch; omidi.oskouei@gmail.com

² Associate Professor of English Language and Literature, Tabriz University, Tabriz, Iran (Corresponding author); dr.m.ali.torabi@gmail.com

³ Assistant Professor of English Language and Literature, Islamic Azad University, Ahar Branch; hdavatgar@ymail.com

a stamp is a record of an event or presence that always persists over time and introduces a trace of represented memory of history. In the research, utilizing the Van Leeuwen pattern and analyzing stamps of the 50's, the author intends to show that the writing style and ideology of text (stamp) designers and producers are represented within the discursive structures, and both interact closely .

The main research questions include:

- How the discourse system of stamps can represent national identity process based on cultural and historical elements?
- What is the relationship between structural and visual elements and hidden power?

The research methodology is from structure to content, which is reached by half a look at social semiotic image analysis from the point view of Kress and Van Leeuwen. In the research, for the analysis Van Leeuwen's socio-semantic pattern is used. This pattern utilizes two main mechanisms, which are exclusion and inclusion, to represent social actors in a socio-semantic approach favorable by Van Leeuwen. In the research, purposive sampling was used. Therefore, 78 samples (39 stamps before the Revolution and 39 stamps after the Revolution) from stamps of the 50's were analyzed by Van Leeuwen's socio-semantic features qualitatively and quantitatively. It should be noted that the results obtained are generalized within the seventy-eight selected stamps, but not in general population, because giving a definitive answer to the research questions requires a very large sample and further research. In order to further clarify the first question, we checked the selected stamps of the 50s comparatively, based on the Van Leeuwen pattern from a socio-semantic perspective (according to discursive features), and found that the choice of images used in the stamps greatly depends on the rule based on which stamps had been published and are tools of transferring information from one generation to another. This is because using elements, symbols and images, the discourse system of stamps is capable of reproducing cultural and national identities in line with the political, cultural and social beliefs of governments. The majority of political, social, and cultural thoughts hidden in the heart of images are transferred through suppression and backgrounding features to their audience. Discourse features can be linguistic or socio-semantic, but by examining the images and the results obtained, it can be said that all the socio-semantic features do not necessarily have formal linguistic representations. An important point on socio-semantic features is that efficiency of socio-semantic features should be more in representing different discourse layers and in revealing the hidden meaning of the text .

With regard to the second question, it can be said that the relationship between structural and visual elements in the stamp with power discourse varies according to statemen's state functions, and the ideology governing the minds of the statesmen is reflected in the texts (stamps) by using specific discursive features, such as personalization, passivation, backgrounding, suppression, and other Van Leeuwen's discursive features. In fact, there is a bilateral relationship between the discursive features and ideology. For this purpose, looking at the total findings from the statistical analyses, it has been found that some discursive features, such as backgrounding, suppression, collectivization, utterance autonomization, indetermination, passivation, differentiation and instrumentalization, have a higher frequency in the texts; while some socio-semantic features, such as individualization, functionalization, activation, association, personalization,

nomination, identification and spatialization, have a lower frequency. The motivation for the present research is to raise awareness and strengthen critical thinking, since one can consider critical discourse analysis as one of the most useful tools to examine texts in order to track the ideologies dominated on them. Van Leeuwen's pattern of social actors is an effective pattern to do research in this area. In the authors' view, such research can be used in the following organizations and institutions: The Organization for Educational Research and Planning of the Ministry of Education, International Relations of the Ministry of Foreign Affairs, Deputy for Information and News Unit of IRIB, Deputy for Research of Universities (by holding conferences) (Disclosure: Raising university academic degree and rank, print and publication of educational book; Suppression: Income for university), Iranian Psychological Association, etc.

Keywords: Critical discourse analysis, Power, Ideology, Socio-semantic features, Van Leeuwen's pattern